



مدیریت فرزنانگان و اخلاق در اندیشه‌های سیاسی فردوسی و سعدی و بازتاب آن در نگاره‌های نسخ مصور شاهنامه و بوستان محفوظ در موزه قاهره

علیرضا موسی‌پور^۱، علی حیدری^{۲*}، قاسم صحرایی^۳، مهدی ذوالفقاری^۴

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، mousapouralireza@gmail.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) استاد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، Heydari.a@lu.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، sahraei.g@lu.ac.ir

^۴ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، zolfaghari.m@lu.ac.ir

چکیده

مدیریت فرزنانگان یا به عبارت دیگر، سپردن امور مهم حاکمیت به کارگزاران شایسته از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب است و حاکمان برای تحقق آن باید این مهم را مبنای کار خود قرار دهند. فردوسی از اندیشمندان بزرگی است که نظریه‌ها و آرای سیاسی-اجتماعی خود را در مورد حکمرانی خوب و معضلات حکومت و جامعه ابراز کرده است. در این پژوهش، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی و توصیفی به بررسی تأملات و اندیشه‌های سیاسی فردوسی و سعدی در مورد مدیریت فرزنانگان و نقش آن به عنوان کلان شاخص حکمرانی خوب پرداخته شده است. او راه حل بسیاری از مشکلات جامعه را بهره‌مندی از ظرفیت فرزنانگان یا گرایش به شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری در نظام حکومتی می‌داند. آگاهی از این تأملات و اندیشه‌ها موجب رشد فکری و سیاسی مردم و تنبه حاکمان می‌شود و رهنمودهای موجود در آثار بزرگان اندیشه و فرهنگ می‌تواند سرمشقی برای کارگزاران امروز و آینده جامعه باشد.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی اصول و معیارهای حکمرانی فرزنانگان در شاهنامه و بوستان.

۲. تبیین ابعاد و زوایای اندیشه فردوسی و سعدی در چارچوب گفتمان ایرانی در زمینه حکمرانی.

سؤالات پژوهش:

۱. اصول و معیارهای حکمرانی فرزنانگان و سیاست از نظر فردوسی و سعدی چه بوده است؟

۲. چه تشابه و تفاوتی بین آراء و افکار فردوسی و سعدی در حکمرانی وجود دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۴

دوره ۲۱

صفحه ۵۵۴ الی ۵۶۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

حکومت،

سیاست،

شایسته‌سالاری،

فردوسی،

مدیریت فرزنانگان.

ارجاع به این مقاله

موسی پور، علیرضا، حیدری، علی، صحرایی، قاسم، & ذوالفقاری، مهدی. (۱۴۰۳). مدیریت فرزنانگان و اخلاق در اندیشه های سیاسی فردوسی و سعدی و بازتاب آن در نگاره های نسخ مصور شاهنامه و بوستان محفوظ در موزه قاهره. مطالعات هنر اسلامی، ۲۱(۵۴)، ۵۵۴-۵۶۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.*](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.388326.2122)

***** ***/



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.388326.2122)

.2023.388326.2122

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری/ پایان‌نامه "علیرضا موسی‌پور" با عنوان "مقایسه اندیشه‌های سیاسی فردوسی و سعدی" است که به راهنمایی دکتر "علی حیدری" و دکتر "قاسم صحرایی" و مشاوره دکتر "مهدی ذوالفقاری" در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه "لرستان" ارائه شده است.

مقدمه

گنجینه ادب پارسی مجموعه‌ای از آثار گران‌سنگی است که با تأمل و تفحص دقیق در این آثار، رگه‌های بسیاری از علوم گوناگون به‌خصوص علوم انسانی، نمودار می‌گردد. یکی از منظرهایی که می‌توان برخی از آثار اندیشمندان بزرگ پارسی را از زاویه دید آن بررسی کرد، اندیشه‌های سیاسی و مدیریتی آن‌هاست. فردوسی و سعدی از بزرگ‌ترین اندیشمندان ادب پارسی هستند که به‌واسطه آگاهی که با سیاست زمانه خود داشتند و بنابه مسئولیتی که در قبال جامعه خویش داشتند، در میان آثار خود به مسائل مهم سیاسی مملکت نیز پرداخته و دیدگاه‌های متنوع خود را در زمینه‌های حکومت و خویش‌کاری حاکمان، که پایه و اساس حاکمیت است، به شیوه‌های گوناگون، گاه به‌صورت آشکار و گاه در قالب کنایه و تعریض، در لابه‌لای داستان‌های اساطیری و تاریخی ابراز کرده است. امروزه مباحث مربوط به شایستگی و شایسته‌سالاری در حکمرانی خوب یکی از حوزه‌های مهم و پرکاربرد علوم انسانی است. سپردن امور به کارگزاران کاردان و به عبارت دیگر، واگذاری مدیریت‌ها به فرزنانگان و شایستگان، یکی از اصول و مبانی حکمرانی خوب در شاهنامه است که فردوسی به جهت اهمیت و تأثیرگذاری این امر در تحقق و شکست اهداف حکومت و سعادت و تباهی جامعه بارها به مناسبت‌های مختلف نظیر رسیدن به سلطنت و انتقال پادشاهی، در جمع موبدان، خردمندان، بزرگان و کارگزاران حکومتی بدان اشاره کرده است. در این مقاله سعی شده است به نظرات و دیدگاه‌های این اندیشمند بزرگ ادب پارسی درباره نقش مدیریت فرزنانگان و شایسته‌سالاری در بهبود اوضاع جامعه پرداخته شود.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی و به روش تحلیل محتوا و با استخراج مؤلفه‌های شایسته‌سالاری؛ مدیریت فرزنانگان را از نگاه فردوسی و سعدی بررسی کرده است. روش گردآوری اطلاعات، براساس منابع کتابخانه‌ای بوده و ابزار گردآوری آن‌ها، فیش‌های تحقیقاتی است که پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها، از استدلال‌های منطقی برای تبیین مفهوم شایستگی و مولفه‌های آن، استخراج شواهد، بررسی نکات و آموزه‌های مربوط به شایسته‌سالاری و مدیریت فرزنانگان در شاهنامه فردوسی بهره گرفته شده است. منبع اصلی در این پژوهش شاهنامه فردوسی به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق است اما در طی پژوهش از شاهنامه چاپ مسکو نیز بهره گرفته شده است.

باتوجه به اهمیت و تأثیر فراوان آثار ادبی در غنای فرهنگ و ادب ایران، پژوهشگران بسیاری به پژوهش در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند و آثار ارزشمند بسیاری نیز در قالب کتاب و مقاله منتشر کرده‌اند اما در آن‌ها کم‌تر به انعکاس محتوا و مفاهیم روز جامعه؛ نظیر شایسته‌سالاری و مدیریت فرزنانگان به‌عنوان یکی از جلوه‌های غنی فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانی، توجه شده است. در میان این پژوهش‌ها، هیچ پژوهش مشخص و مستقلی، مختص به مدیریت فرزنانگان در اندیشه فردوسی و سعدی ملاحظه نگردید، هرچند در برخی از آثار ممکن است، به‌صورت پراکنده به این موضوع اشاره‌ای شده باشد که از جمله این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اعتماد مقدّم (۱۳۵۰) با انتشار پژوهش‌هایی با عنوان «پادشاهی و پادشاهان از دید ایرانیان بر بنیاد شاهنامه (۱۳۴۶) و آیین شهریاری در ایران باستان (۱۳۵۰)» برخی از ویژگی‌های شاهنامه را بررسی کرده است. ولی موضوع

شایسته‌سالاری و مدیریت فرزنانگان مورد نظر پژوهشگر نبوده است. باقر پرهام (۱۳۷۷) در کتابی با عنوان «با نگاه فردوسی» به صورت گذرا به باور فردوسی در زمینه خرد سیاسی پرداخته است و نیز شاهنامه‌پژوهان شاخص دیگری نظیر شاهرخ مسکوب، عبدالحسین زرین کوب، محمدعلی اسلامی ندوشن، محمدجعفر یاحقی و... نیز به بررسی شاهنامه از منظر ادبی، زیباشناختی و تاریخی و... بررسی کرده‌اند. در نوشتار پیش‌رو، باور فردوسی به شایسته‌سالاری و مدیریت فرزنانگان در حکمرانی مطلوب، مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد جعفر اورعی با راهنمایی دکتر محمد فولادی با عنوان «آیین کشورداری، رهبری، سیاست و سفیری در شاهنامه» (۱۳۸۷) و مقاله دکتر فولادی برگرفته از رساله اخیر با عنوان «مبانی کشورداری و شهریاری در شاهنامه» مندرج در کتاب «مجموعه مقالات فردوسی‌پژوهی» (۱۳۹۰) به تاریخچه شاهنامه و ویژگی‌های شاهان و وظایف آنان از نظر فردوسی، روابط و مناسبات ایران با ملل دیگر، آیین‌نامه‌نگاری آداب سفیری و اندیشه‌های مدیریتی و اقتصادی در شاهنامه پرداخته شده است. علیرضا ازغندی در کتاب «اندیشه‌های سیاسی سعدی» (۱۳۹۱) در قالب جامعه‌شناسی سیاسی به سعدی به عنوان یک جامعه‌شناس واقع‌گرا پرداخته است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با نام «سیاست و سیاسی‌گری در آثار سعدی» از رقیه حاجی‌زاده به مباحثی نظیر اوضاع سیاسی و اجتماعی و چگونگی پیدایش سلاطین قوم مغول و ایلخانی و حکومت‌های محلی، روابط سعدی با سیاستمداران معاصر خود، مشروعیت حکومت از نظر سعدی و اندیشمندان غربی و اسلامی نظیر افلاطون و ارسطو و فارابی و... ویژگی‌های حاکم صالح مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

وحید مبارک و فرشید (۱۳۹۳) مقاله‌ای با عنوان: «بازتاب نظریات مدیریتی در شاهنامه فردوسی (با تکیه بر پارادایم نیوتنی و تئوری آشوب)» نگارش کردند. در این تحقیق بیان داشتند که با بررسی بخش‌های مختلف شاهنامه، به خصوص بخش حماسی، می‌توان الگوهایی از این گونه‌های مدیریت را یافت؛ بررسی حکومت و نوع آن در شاهنامه و تطبیق آن با نظریات مدیریتی جدید، مطالعه‌ای در کارکردهای اسطوره و به خصوص شاهنامه است و به این نتیجه رسیدند که از هر سه سطح مدیریتی نمونه‌هایی را در نظام حکومتی و پادشاهی در شاهنامه می‌توان یافت. کسرائی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان: اندیشه سیاسی فردوسی انجام داد. در این تحقیق بیان داشت که فردوسی بر آن است تا در مجموعه حماسی خویش هم آیین‌ها، تاریخ و رسوم پسندیده و جوانمردانه گذشته را احیا کند و هم چارچوب نظام سیاسی‌ای را طراحی نماید که در واقع شالوده آن، نظام شاهی گذشته ایران باستان است. اگر بخواهیم شعرای پارسی‌گوی را در دو دسته شعرای سیاسی و غیرسیاسی قرار دهیم، بی‌شک فردوسی دارای ویژگی‌های خاصی است که او را از دیگران متمایز خواهد کرد.

۱. چارچوب نظری و یا چارچوب مفهومی

مبنای حکمرانی خوب، بهره‌گیری از کارگزاران فرزانه، با کفایت و کاردان در سطوح مختلف حکمرانی است. شایسته‌سالاری از اساسی‌ترین اصول در عرصه حکمرانی و از مهم‌ترین عوامل دوام و بقای حکومت است. «براساس یک

تعریف رایج و پذیرفته شده «شایسته‌سالاری» عبارت است از یک نظام حکومتی مبتنی بر شایستگی ذاتی حاکمان و نه بر اساس ثروت یا موقعیت اجتماعی آنان» (حبی، ۱۳۹۰: ۱۷-۱۸). این اصطلاح از دو کلمه ترکیب شده است؛ «شایسته» اسم مفعول از «شایستن» است که به معنی صفت یعنی سزاوار، لایق و درخور باشد (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲۴۳۴/۹) و «سالار» اسم است به معنی سردار، سرهنگ، سرکرده، افسر، پیشرو قافله یا لشکر، بزرگ و مهتر قوم آمده است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱۷۵۲/۸). بر این اساس، اصطلاح شایسته‌سالاری، اصطلاحی سیاسی است و به مفهوم نظامی از حکومت است که در آن صاحبان مقام‌ها بر اساس شایستگی (دانش، تجربه و توانایی) انتخاب و به کار گمارده شوند (ر.ک: صدری افشار و حکمی، ۱۳۹۳: ۱۷۲۹/۲).

«شایسته‌سالاری با مفهوم نخبه‌گرایی ارتباط نزدیکی دارد و می‌توان گفت نخبه‌گرایی و شایسته‌سالاری هر دو به دنبال واگذاری امور به افراد نخبه و سرآمد هستند» (الوانی، ۱۳۷۷: ۱۴). شایسته‌سالاری و بهره‌گیری از مدیریت فرزندانگان، نظامی کارآمد است و زاینده عدالت است؛ و حکومت دادگستر، زمینه‌ساز اصلاح امور است. ارسطو از میان نظام‌های حکومتی، بهترین نظام سیاسی را نظامی ترکیبی می‌داند که در آن فرزندانگان و شایستگان در رأس هرم قدرت باشند و عامه نظارت کنند و انتخاب آنان از طریق شورا و نمایندگان باشد. او در کتاب سیاست می‌گوید: حکومت رستگار آن است که کار به کاردان سپرده شود و شایستگان مدارج ترقی را بپیمایند، قدرت محدود گردد، به مصالح عامه آسیبی نرسد و قانون حاکم باشد (ر.ک: ارسطو، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

۲. اخلاق و اصول حکمرانی از نظر سعدی با تکیه بر نسخه مصور بوستان موزه قاهره

سعدی از بزرگ‌ترین ادیبان ایرانی و مربیان بزرگ اجتماعی است که «بوستان» را در سال ۶۵۵ه.ق تألیف کرد. این اثر به دلیل آن که حاوی حکایات و آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی فراوان است، یکی از بزرگ‌ترین منابع در زمینه تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. پیام‌های اخلاقی این کتاب، یا به‌گونه مستقیم و پندواندرز و یا در لابه‌لای حکایات‌ها و تمثیل‌های اخلاقی و عرفانی رخ می‌نماید. در بوستان سعدی، جهان مطلوب و آرمانی سعدی جلوه‌گر می‌شود و سعادت در این جهان، با به‌کار بستن فضائل اخلاقی و نیکی‌ها حاصل می‌گردد.

سعدی یکی از پایه‌های بنای استوار ادب پارسی است که جلوه‌های نظم و نثر او زیور پیکره شکوهمند فرهنگ کنونی است. «گلستان» و «بوستان» سعدی، سرشار از پندهای اخلاقی و آداب زندگی و حکمت عملی است. غزلیات شاعر نیز که سرشار از سروده‌های ستایشگرانه، عاشقانه و حکیمانه است، با مباحث اخلاقی گره می‌خورد. هنر نویسندگی سعدی در کنار همین مضامین بلند اخلاقی و اندیشه‌های والای عرفانی و نکته‌های لطیف حکمت‌آموز مزید بر زیبایی آثار اوست.

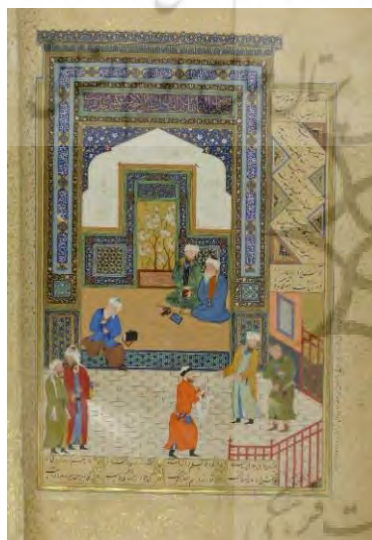
عدالت، محوری‌ترین اصل حکومتی از نظر سعدی است که در صورت رعایت آن، جلوه‌های مثبتش در جامعه نمایان می‌گردد جلوه‌هایی چون؛ رفع ظلم در جامعه، رفع نیازهای اقتصادی مردم، اجرای دقیق قوانین، آسایش مردم، توسعه عمرانی و عاقبت به خیری حاکمان در سرای فانی و باقی (ظهیری ناو، پاکمهر، ۱۳۸۷: ۱). در تصویر شماره ۱ نگارگر

نسخه بوستان سعدی در موزه قاهره با ترسیم تصویر گدا بر در مسجد به نوعی کوشیده تا مفاهیم اخلاقی در این حوزه را یادآوری کند.



تصویر ۱. نگاره گدا بر در مسجد. منبع: (آرشیو اختصاصی پروفیسور برناورد اوکین)

عدالت از جمله کانونی‌ترین مفاهیم تاریخ اندیشه و نظریه اجتماعی و سیاسی بوده است که هم در سنت فکری غرب و هم ایرانی، سابقه‌ای دیرینه دارد. سعدی نیز متأثر از همین سنت به ارث برده ایرانی، آن را در حکایات و روایات خویش وارد می‌کند و با اصرارهای مداوم بر عدل گستری و اندرز به پرهیز از ستمگری، اخلاق و سیاست را در آثار خویش به هم گره می‌زند. بنابراین اخلاق و سیاست در گلستان و بوستان پیوندی ناگسستنی دارند (نورایی، یاور، ۱۳۹۲: ۱۴۵).



تصویر ۲. نگاره مجلس مباحثه. منبع: (آرشیو اختصاصی پروفیسور برناورد اوکین)

۳. مدیریت فرزندان در اندیشه فردوسی و نسخه مصور شاهنامه در موزه قاهره

محور بنیادین شاهنامه، حکومت و چگونگی ظهور و سقوط آن است و پایه و اساس حکومت در شاهنامه، پادشاه است و تزلزل او، ویرانی کل حکومت قلمداد می‌شود» (قایینی کریم آبادی و بساک، ۱۳۹۹: ۲۳۳). برخی از علل تزلزل و سقوط حکومت‌ها از ناخوش کاری شهیاران است. هر حکومتی در معرض علل و بیماری‌هایی است که برخی از آنان عبارت‌اند از: حاکمیت هوای نفس حاکم، تجمل‌خواهی او و از دست دادن خوی مقاومت در برابر بیگانگان که اگر حاکم نتواند آن را درمان کند طعم شکست را تجربه می‌کند (پژوهش، ۱۴۰۰: ۵۵). یکی از شاخص‌های لازم برای حکمرانی خوب و ضمانت آن، وجود پادشاهان و کارگزاران دلسوز برای حفظ ملک و مملکت است، که در انتخاب وزرا و جانشین پادشاه به‌عنوان شاه آینده، با دقت و تیزبینی و براساس شایسته‌سالاری عمل می‌کنند؛ بدین‌گونه اوضاع سیاسی و اجتماعی مردم و حکومت را از تباهی و نابسامانی محفوظ می‌کنند.

فردوسی، شهریار فریدون را مرهون شایستگی‌ها و هنرها و فضایل او می‌داند:

فریدون فرخ فرشته نبود ز مشک وز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت آن نیکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸۵/۱)

فردوسی بر این باور است که کارگزاران و نخبگان سیاسی، محورهای جامعه و بازوان اجرایی حاکمند؛ آنان به‌مثابه آینه‌ای برای عملکرد حاکمانند. برای این که جامعه مسیر رشد و پیشرفت را طی کند حاکمان و کارگزاران باید برای عهده‌دار شدن امور جامعه از اهلیت، لیاقت و شایستگی لازم برخوردار باشند و این اصل مهم‌ترین اصل از اصول مدیریت جوامع است:

چو جوید کسی راه بایستگی هنر باید و شرم و شایستگی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۲۴/۷)



تصویر ۳. نگاره شاه و کارگزارانش. شاهنامه مصور موزه قاهره

شایستگی در لغت به معنای داشتن توانایی، اختیار، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت است (ر.ک: ابطحی و عبدصبور، ۱۳۸۹: ۱۴۲). مفهوم شایستگی مؤلفه‌هایی دارد و فردوسی برای انتخاب کارگزاران شایسته در حکمرانی خوب، خصوصیات و شاخص‌هایی چون داد و دهش، دین و فرهی، خردمندی و تجربه، فضیلت و بزرگواری، مردم‌داری و کارآمدی و... را مبنای حاکمیت می‌داند. از نشانه‌های حکمران خوب دادورزی و خردمندی است. حکمرانی مطلوب در شاهنامه، نتیجه خردورزی و کارکرد آن دادگری است (قاینی کریم‌آبادی و بساک، ۱۳۹۹: ۲۳۴).

۳.۱. حکمرانی دادگرانه

داد از اصول جهان‌بینی و اندیشه سیاسی فردوسی است. «ارزش داد و عدالت در شاهنامه و در نظر پادشاهان و پهلوانان به حدی است که آن را از نژادگی و پادشاهی هم برتر می‌دانند و آن را مایه روشنی روان می‌دانند» (شریفی و سید صادقی، ۱۳۹۹: ۲۹). او عدل را مهم‌ترین صفت شه‌ریار می‌داند که با تحقق اصل شایسته‌سالاری و استقرار هر چیزی در جای خودش برآورده می‌شود. بر این اساس، سپردن امور جامعه به شایستگان، محور عدل و تعادل اجتماعی خواهد بود و بی‌توجهی به آن موجب برهم‌خوردن توازن جامعه خواهد شد. داد اعتدال است و شه‌ریار نیک میانه‌رو است:

ز کار زمانه میانه‌گزین چو خواهی که یلبی به دادآفرین

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۷۰/۶)

فردوسی افراط و تفریط را مه‌لک می‌داند و اعتدال را مایه آرامش می‌داند:

همه کار گیتی به اندازه به دل شاه ز اندیشه‌ها تازه به

(فردوسی، ۱۳۷۹: ۳۶۴/۷)

۳.۲. حاکمیت خرد پایه

خرد در اندیشه سیاسی فردوسی و در صحنه‌ی سیاست و حکمرانی خوب، جایگاه رفیعی دارد و حاکمیت خردپایه از صفات محوری حاکمان شایسته و یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب است. «هرقدر خرد آدمی رشد کند، همان اندازه از خطا مصون می‌ماند» (صدرایی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در حکمرانی مطلوب، فرزنانگان و شایستگان محترمند. فردوسی خردمندی را از بهترین صفات شه‌ریاران، نخبگان سیاسی و کارگزاران شایسته می‌داند و از نظر او خرد سلاح شه‌ریار و راهنمای جان اوست و هیچ سرمایه‌ای ارزشمندتر از خرد برای شه‌ریار نیست:

به شاهی خردمند باشد سزا به جای خرد زر شود بی‌بها

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۴۴/۶)

او انتخاب و انتصاب کارگزاران شایسته را از خویش‌کاری‌های شه‌ریار می‌داند و بزرگداشت خردمندان را در شکوه و اعتلای حکومت، مؤثر می‌داند. فردوسی به پادشاهان، ضرورت حضور خردمندان را در دربار حاکمان، توصیه می‌کند:

هنرمند را شاد و نزدیک دار
جهان بر بداندیش تاریک دار
به هرکار با مردِ دانا سگال
به رنج تن از پادشاهی منال
چو یابد خردمند نزد تو راه
بماند به تو تخت و گنج و سپاه

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۵۹/۷)

وجود کارگزاران خردمند و باکفایت، از شروط مهم توفیق حکومت‌هاست و عدم وجود کارگزاران شایسته، سبب تباهی پادشاهی و مملکت است:

بدانگه شود تاج خسرو بلند
که دانا بود نزد او ارجمند

(همان: ۲۰۱/۷)

ز دستور بدگوهر و گفت بد
تباهی به دیهیم شاهان رسد

(همان: ۲۰۲/۷)

۴. مفهوم هنر در حکمرانی

هنر به معنی «آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را دربردارد و نمود آن صاحب هنر را برتر از دیگران می‌نماید» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۸۴۱/۱۴). هنر در شاهنامه، واژه‌ای است عام که بار معنایی گسترده‌ای دارد و نشان فضل و اعتبار به شمار می‌رود و آگاهی از مفاهیم آن به جهت وجوه و معانی گوناگون این واژه اهمیت دارد.

پرنیان، امیدیان و آب باریکی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی کاربرد و معانی مختلف واژه هنر در شاهنامه پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از مفاهیم هنر در شاهنامه عبارت‌اند از: قدرت، شجاعت، کین‌خواهی، کشورگشایی، دانایی، توانایی، تجربه، نژادگی، بخشنده‌گی، خردمندی، شایستگی و بیش‌تر به معانی لیاقت، کفایت، کاردانی و توانمندی حکمرانان در کشورداری آمده‌است.

هنر در شاهنامه شامل دو دسته فضایل اکتسابی و موهبت‌های ایزدی نظیر دانش، داد، دهش، دین، فرهی، نژادگی، شرم، سیاست، کیاست، فراست، جنگ‌آوری، شجاعت، خرد ورزی و آیین حکمرانی و ... است و بهره‌مندی از این هنرها و فضایل؛ معیار و ملاک شایستگی، فضیلت و امتیاز شهریان و کارگزاران است. فردوسی بهره‌مندی از این فضایل و کسب و آموختن هنرهای حکمرانی و کشورداری را برای حاکمان یک ضرورت می‌داند. او به لزوم فراگیری آیین حکمرانی و هنرهای شهریاری، تأکید کرده‌است:

هنرها که باشد کیان را به کار
سکندر بیاموخت زآموزگار

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵۲۵/۵)

فردوسی، به تلاش برای کسب هنر و شایستگی‌های لازم برای رسیدن به مناصب بلند تأکید دارد:

وگر تخت جویی، هنر بایدت چو سبزی بود، شاخ و بر بایدت

(همان: ۱۹۲/۷)

فردوسی گاهی در شاهنامه، به بیان باورهای خود می‌پردازد. او شاخص شایستگی شهریان و کارگزاران و قهرمانان را هنرها و فضایل آنان می‌داند و همگان را به هنرجویی و هنرمندی توصیه می‌کند:

میاز و متاز و مناز و مرنج چه یازی به کین و چه نازی به گنج
که بهر تو اینست زین تیره گوی هنر جوی و راز جهان را مجوی

(همان: ۳۵۱/۶)

فردوسی از زبان شاپور در هنگام ولیعهدی برادرش اردشیر به بیان برخی از خصوصیت‌ها و هنرهای لازم برای حکمرانی می‌پردازد:

خنک شاه با داد و یزدان پرست کزو شاد باشد دل زبردست
به داد و به بخشش فزونی کند جهان را به دین رهنمونی کند
نگهدارد از دشمنان کشورش به لبر اندر آرد سر و افسرش
به داد و به آرام گنج آگند به بخشش ز دل رنج بپراگند...
هرآن کس که او این هنرها بجست خرد باید و حزم و رای درست

(همان: ۳۳۸/۶-۳۳۹)

بنابراین، در این جستار از میان معانی مختلف و متعدد هنر اغلب به بیان معانی و مفاهیم این واژه در گفتار و اندیشه سیاسی فردوسی در خصوص حکمرانی پرداخته می‌شود. فردوسی، شهیار نیک را به جهت آراسته‌بودن به هنرهای نظیر فرهمندی، خردورزی و دادگری و... شایسته و هنرمند می‌داند و شهیار بد را به جهت عدم بهره‌مندی از این هنرها و داشتن ویژگی‌هایی چون نابخردی، آزمندی، خشم و خودکامگی و... بی‌هنر و ناکارآمد می‌داند که پی‌آمد این هنرهای منفی؛ ویرانی، ناامنی و تباهی قدرت است.

از مفاهیم هنرآموزی در نزد فردوسی، فراگیری آداب حکمرانی و آیین شهریاری است، آن چنان که او در پرورش منوچهر آورده‌است:

هنرها که بُد پادشا را به کار بیاموختش نامور شهریار
چو چشم و دل پادشا باز شد سپه نیز با او هم‌آواز شد
نیا تخت زرین و گرزگران بدو داد و پیروزه تاج سران

(همان: ۱۲۷/۱)

یکی از معانی هنر در شاهنامه، تدبیر و شایستگی است:

چو دستور باشد چنین کاردان نوشته هنر نیز بسیار دان

(فردوسی، ۱۳۷۹: ۳۸/۱)

یکی از موارد کاربرد واژه هنردر شاهنامه و اغلب در خطاب شهریاران ایرانی بیان فرهمندی و شکوه آنان است:

زبان برگشادند از آن پس به‌پند که ای پر هنر شهریار بلند

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۹۲/۶)

چنین پاسخ آوردش منذر بدوی که ای پر هنر خسرو نامجوی

(همان: ۳۷۰/۶)

فردوسی گاه واژه هنر را به معنی منش و اصالت تبار آورده است:

چه شد هفت ساله گو سرفراز هنر با نژادش همی‌گفت راز

(همان: ۳۶۸/۲)

گاهی منظور فردوسی از هنر، حقیقت‌جویی و حق‌طلبی است:

هنر خوار شد جادویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

(همان: ۵۵/۱)

یکی از معانی متعدد هنر در شاهنامه، دلاوری و جنگ‌آوری است:

ببینی کزین پره‌نر یک سوار چه آید ترا بر سر ای نامدار

(همان: ۴۳۸/۲)

از دیگر معانی گسترده این واژه، هنر در معنی فعل و عمل به گفتار است:

هنر بهتر از گفتن نابکار که گیرد ترا مرد داننده خوار

(همان: ۵۶۳/۶)

از دیگر کاربردهای واژه هنر، پاسخ بزرگمهر است به پرسش انوشیروان که «بهترین هنر چیست؟»

چنین داد پاسخ که دانش به‌ست خردمند خود برمه‌ان بر مه‌ست

(همان: ۲۹۴/۷)

فردوسی هنر را به معنی شایستگی، لیاقت و کفایت نیز به‌کار برده است، او منوچهر را شهریاری پره‌نر می‌خواند که لیاقت، کفایت و شایستگی شهریاری را دارد:

دو چشم کیانی به هم بر نهاد
بپژمرد و برزد یکی سرد باد
شد آن نامور پره‌نر شهریار
به گیتی سخن ماند ازو یادگار

(همان: ۲۸۲/۱)

از معانی دیگر هنر که فردوسی آن را در نظر داشته‌است، کاربرد این واژه به معنی علم و فضل و خرد است و براین اساس هنرمند کسی است که از دانش و خرد بهره‌مند باشد. فردوسی این واژه را در توصیف پدر گو که پادشاه هند بود به‌کار برده‌است:

هنرمند جمهور فرهنگ جوی سرافراز با دانش و آب‌روی

(همان: ۳۲۰/۷)

از معانی دیگر هنر، بخشایش و جوانمردی است:

بخشای و کار گذشته مگوی هنر جوی و از کشتگان کین مجوی

(همان: ۴۷۶/۵)

از مفاهیم دیگر هنر در شاهنامه، کسب مهارت و توانایی است:

مرا چند ببسود و چندی بگفت خرد با هنرکردم اندر نهفت

(همان: ۴۵۳/۲)

از آنجاکه نظریه‌پردازان نظریه حکمرانی خوب بر ارائه یک الگوی بومی تأکید دارند، یافته‌های این پژوهش، حکایت از این دارد که ارتباط بین مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در شاهنامه مشهود است لذا ارائه یک الگوی بومی و ملی از این نظریه ممکن و مطلوب است. در اندیشه سیاسی فردوسی، شایسته‌سالاری از کلان شاخص‌های لازم در حکمرانی خوب است، ژرف‌نگری در آن برطرف‌کننده نقایص این شاخص در نظریه مزبور و نمونه‌ای از سیر تکاملی این مفهوم در نظریه حکمرانی خوب است. در این میان، گاه شایسته‌سالاری از مسیر نبردها به‌وجود می‌آید. تصویر زیر از نسخه مصور شاهنامه قاهره یکی از این جنگ‌های حماسی را ترسیم کرده است.



تصویر ۴. صحنه‌هایی از نبرد در شاهنامه. محل نگهداری: موزه قاهره

نتیجه‌گیری

شایسته‌سالاری و سپردن امور جامعه به خردمندان، محور عدل و تعادل اجتماعی است، دوام و قوام جامعه بسته به آن است و بی‌توجهی به آن و تقدیم فرومایگان و تأخیر فرزندان از علل اساسی سقوط نظام سیاسی، اجتماعی جوامع و حکومت‌هاست و گسستگی هنجار جامعه را در پی دارد. فردوسی، شرط اصلی فرمانروایی را شایسته‌سالاری می‌داند و شایستگی و کفایت افراد را معیار انتخاب و گزینش کارگزاران برمی‌شمارد. در نظر او، برای آن که جامعه سامان یابد فقط شایستگان و خردمندان سزاوار حکمرانی هستند، زیرا حکمرانی کاری است که نیازمند خردمندی، کاردانی، تدبیر و تحمل است. فردوسی، سپردن امور مملکت به دست افراد نالایق را از آسیب‌های سیاست می‌داند و محروم‌ماندن جامعه از مدیریت فرزندان و نشستن نابه‌جای افراد در موقعیت‌های تخصصی را از علل زوال جامعه بیان می‌کند و حاکمان را از سپردن قدرت و امور مردم به افراد نالایق و بی‌هنر برحذر می‌دارد. در نظر فردوسی، راه حل اغلب مشکلات مردم، گرایش به مدیریت فرزندان و نظام شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری، براساس توانایی‌ها و شایستگی‌های گوناگون است و نه براساس موقعیت و نگرش‌های قومی و قبیله‌ای. فردوسی در شاهنامه تلاش کرده که مؤلفه‌های حکومت شایسته و مطلوب موردنظر خود را بیان کند. مهم‌ترین شاخص کارگزاران شایسته در حکمرانی خوب، عدالت‌ورزی و دادگری است. او به‌نوعی عدالت در توزیع امکانات و مناصب براساس شایستگی‌ها و لیاقت‌ها تأکید دارد. از شاخص‌های دیگر حکمرانی خوب از دیدگاه او می‌توان به مردم‌داری حاکمان و کارگزاران حکومت اشاره نمود. از دیگر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در انتخاب کارگزاران توانمند و شایسته، عقلانیت و خردورزی و نیز کارآمدی و توانمندی آنان است. او به حاکمان عصر خود توصیه می‌کند که کارهای مهم حکومتی و دیوانی جامعه را برای تحقق اهداف خود به کارگزاران خردمند، دین‌دار، عادل، کارآزموده، اصیل، خداترس، امین و مردم‌دار و... واگذار کنند تا جامعه سامان یابد و سبب رضایت، آرامش و آسایش مردم شوند که بیداد و بی‌خردی شهریار و بی‌توجهی به اصل شایسته‌سالاری، افول سلطنت و ویرانی مملکت را در پی دارد. در بوستان سعدی بیشتر بر مسئله عدالت در حکمرانی تأکید شده است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ابطحی، سیدحسین و عبدصبور، فریدون. (۱۳۸۹). شایسته‌سالاری. تهران: آزادمهر.
- ارسطو. (۱۳۹۰). سیاست. ترجمه: حمید عنایت، چاپ ششم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۱). اندیشه‌های سیاسی سعدی. تهران: قومس.
- توسی، خواجه نظام‌الملک. (۱۳۸۰). سیاست‌نامه. به کوشش دکتر جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- حبی، محمدباقر. (۱۳۹۰). سیاست‌های ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری. تهران: راه دان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. چاپ اول از دوره جدید. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۶۸). و از رنگ گل تا رنج خار. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین و حکمی، نسترن. (۱۳۹۳). فرهنگ نامه فارسی. چاپ سوم. تهران: فرهنگ معاصر.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۹۰). قابوس‌نامه. به تصحیح دکتر سعید نفیسی. تهران: نشر فردوس.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). شاهنامه براساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان. ۴ مجلد، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.

مقالات

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۷۸). «عدالت و خودکامگی در اندیشه سیاسی ایران باستان». مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۴۳ و ۱۴۴.
- الوانی، مهدی. (۱۳۷۷). «شایسته‌سالاری». مجله تدبیر، شماره ۸۲.
- پرنیان، موسی؛ امیدیان، مهین و حسینی آباریکی، آرمان. (۱۳۹۰). «هنر در شاهنامه». مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۱۵، ۲۷۶-۲۶۳.
- شریفی، حمیده؛ سید صادقی، سید محمود. (۱۳۹۹). «پیوند دادگری و شادی، و نقش آن در کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی در شاهنامه». فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا). دوره ۱۲، شماره ۴۳، ۴۰-۱۳.
- معمارزاده، غلامرضا؛ جاسبی، جواد و نفری، ندا. (۱۳۸۹). «حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل». مجله پژوهش‌های مدیریت، شماره ۸۴.
- کسرای، محمدسالار. (۱۳۸۶). «اندیشه سیاسی فردوسی». علوم سیاسی، ۴(۷)، ۲۱۳-۲۳۴.
- مبارک، وحید؛ وزیله، فرشید. (۱۳۹۳). «بازتاب نظریات مدیریتی در شاهنامه فردوسی (با تکیه بر پارادایم نیوتنی و تئوری آشوب)». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ۱۰(۳۷)، ۲۶۹-۳۰۲.

پایان‌نامه‌ها

- اورعی، جعفر. (۱۳۹۰). «آیین کشورداری، رهبری، سیاست و سفیری در شاهنامه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد با راهنمایی دکتر محمد فولادی، دانشگاه قم.